





دانشگاه الزهرا (س)

دانشکده علوم اجتماعی و اقتصاد

پایان نامه

جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

مطالعات زنان گرایش حقوق زن در اسلام

عنوان

بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و کانادا

استاد راهنما

دکتر الهام شریعتی نجف آبادی

استاد مشاور

دکتر سیده لطیفه حسینی

دانشجو

معصومه رستمی

بهمن ۱۳۹۵

ب

کلیه دستاوردهای این پژوهش متعلق به دانشگاه الزهرا (س) می باشد.

تقدیم به

سرچشمه‌های هستی‌ام که بعد از خدا هر چه دارم

از آنهاست و دریای محبتشان را جبرانی نیست

به پدر بزرگوارم که اسوه تلاش است

مادر مهربانم که آموزگار محبت است

به برادرم حجت که بهترین برادر دنیاست

به پرستوی گمنام کانال کمیل؛ شهید ابراهیم هادی

به شهید مصطفی احمدی روشن ،

به تو ای آشنا که ورقی از این دفتر می‌گشایی.

تشکر و قدردانی:

اکنون که به لطف و یاری خداوند، مراحل نگارش و تدوین پایان نامه به اتمام رسیده است، بر خود لازم می‌دانم مراتب امتنان و قدردانی فراوان خویش را تقدیم سرورانی نمایم که ارائه پایان نامه حاضر مرهون مساعدت‌های بی‌شائبه آنان بوده است. بدین وسیله از استاد راهنمای بزرگوار **سرکار خانم دکتر الهام شریعتی نجف آبادی** و استاد مشاور **سرکار خانم دکتر سیده لطیفه حسینی** که بزرگوارانه و دلسوزانه با نظرات ارزشمند و مساعدت‌های بی‌دریغ خویش راه‌گشای انجام تحقیق شدند، کمال تشکر و قدردانی را دارم. از درگاه خداوند متعال برای ایشان سلامتی و توفیق روزافزون خواستارم.

همچنین تشکر و قدردانی می‌کنم از الطاف بی‌اندازه استادان ارجمند و فهیم بخش حقوق دانشگاه الزهرا که همیشه از محضر این عزیزان کسب فیض کرده‌ام.

در پایان از خانواده‌ام بالأخص از برادر عزیزم؛ حجت و استاد راهنمای گرانقدرم و دوستان عزیزم که با صبوری تمام مرا یاری کردند و نگذاشتند که سختی کار مرا از ادامه آن بازدارد، سپاسگزاری می‌کنم.

چکیده

از آنجایی که امروزه تعداد کودکان بی سرپرست و یا بد سرپرست قابل اغماض نیست و این کودکان از داشتن کانون گرم خانواده محرومند و همچنین خانواده‌های بسیاری دچار مشکل ناباروری هستند توجه به امر فرزندخواندگی و بررسی شرایط و قوانین مربوط به آن حائز اهمیت است. در قوانین ایران قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست ۱۳۵۳ شامل ۱۷ ماده بوده که با توجه به اصلاحات سال ۱۳۹۲ به ۳۷ ماده افزایش پیدا کرده است. از مهمترین تغییرات می‌توان به افزایش سن فرزندخواندگی از ۱۲ سال به ۱۶ سال اشاره کرد که متناسب با این تغییر عنوان قانون از «قانون حمایت از کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست» به «قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست» تغییر یافت. همچنین امکان پذیرفتن فرزند خوانده برای دختران مجرد بالای سی سال میسر گشته است. در کانادا فرزندخواندگی به دو صورت کامل و ساده تعریف شده است که به نظر می‌رسد قوانین ایران بیشتر شبیه به فرزندخواندگی ساده در کانادا باشد. در این تحقیق نهاد فرزندخواندگی در فقه امامیه و قوانین ایران بررسی خواهد شد و اصلاحات مربوط به مربوط به فرزندخواندگی مصوب ۱۳۹۲ مورد بحث قرار می‌گیرد. همچنین قوانین فرزندخواندگی در کانادا تبیین و با رویکردی تطبیقی با قوانین فرزندخواندگی ایران تشریح می‌شود. روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش به صورت تحلیلی - توصیفی می‌باشد.

کلمات کلیدی:

فرزندخواندگی، حضانت، نظام حقوقی ایران، کانادا، بررسی تطبیقی.

فهرست مطالب

صفحه

چکیده.....	و
فصل اول: کلیات تحقیق.....	۱
مقدمه.....	۲
بیان مسأله.....	۳
اهداف تحقیق.....	۵
هدف کلی:.....	۵
اهداف جزئی:.....	۵
سؤالات تحقیق.....	۶
سؤال اصلی:.....	۶
سؤالات فرعی:.....	۶
فرضیه‌های تحقیق.....	۶
فرضیه اصلی:.....	۶
فرضیه های فرعی:.....	۶
پیشینه تحقیق.....	۶
اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۸
جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق.....	۸
روش انجام تحقیق.....	۹
تعاریف و مفاهیم تحقیق.....	۹
مفهوم فرزندخواندگی.....	۹
فرزندخواندگی در لغت.....	۱۰
فرزندخواندگی در اصطلاح.....	۱۲
انواع فرزندخواندگی.....	۱۳
فرزندخواندگی کهن:.....	۱۳
فرزندخواندگی نوین.....	۱۵
ماهیت فرزندخواندگی.....	۱۷
فصل دوم: فرزندخواندگی در نظام حقوق ایران.....	۱۹

۲۰	مبحث اول: فرزندخواندگی از دیدگاه قرآن.....
۳۱	فرزندخواندگی از دیدگاه سنت.....
۳۱	بند اول: احادیث.....
۳۱	بند دوم: روایات.....
۳۲	بند سوم: دیدگاه فقیهان.....
۳۷	مبحث دوم: جایگاه فرزندخواندگی در حقوق ایران.....
۳۷	گفتار اول: ماهیت فرزندخواندگی در حقوق ایران.....
۳۹	گفتار دوم: سیر تکاملی قوانین فرزندخواندگی.....
۴۱	شرایط فرزندخواندگی.....
۴۱	شرایط فرزندخواندگی برای ایرانیان مسلمان.....
۴۱	بند اول: شرایط فرزندخوانده.....
۴۲	بند دوم: شرایط فرزندپذیر.....
۴۷	بند سوم: تشریفات فرزندخواندگی.....
۵۰	بند چهارم: انحلال سرپرستی.....
۵۲	شرایط فرزندخواندگی برای ایرانیان غیر مسلمان.....
۵۴	گفتار سوم: آثار فرزندخوانده.....
۵۵	بند اول: آثار مالی فرزندخواندگی.....
۵۵	نفقه.....
۵۹	الزام به نام زدن مالی برای فرزندخوانده.....
۶۶	بند دوم: آثار غیر مالی فرزندخواندگی.....
۶۷	حضانت.....
۶۷	حضانت در لغت.....
۶۷	حضانت در اصطلاح فقهی.....
۶۸	حضانت در اصطلاح حقوقی.....
۷۰	ولایت.....
۷۲	تسری نام خانوادگی.....
۷۴	محرمیت.....
۷۴	اقسام محرمیت.....

نسب.....	۷۵
نسب در لغت.....	۷۵
نسب در اصطلاح.....	۷۷
بررسی نسب در شرع.....	۷۹
نسب شرعی ناشی از نکاح صحیح.....	۸۰
قوانین جدید فرزندخواندگی مصوب ۱۳۹۲.....	۸۵
فصل سوم: فرزندخواندگی در نظام حقوقی کانادا.....	۸۹
گفتار اول: مفهوم فرزندخواندگی در کانادا.....	۹۰
سازمانهای مصوب مربوط به فرزندخواندگی.....	۹۲
گفتار دوم: سیر تحول قوانین فرزندخواندگی در کانادا.....	۹۵
قوانین حاکم بر فرزندخواندگی.....	۹۷
گفتار سوم: اقسام فرزندخواندگی در کانادا.....	۱۰۰
بند اول: فرزندخواندگی کامل (فرزندخواندگی معمول و آشکار).....	۱۰۰
آثار فرزندخواندگی کامل.....	۱۰۲
بند دوم: فرزندخواندگی ساده مرسوم در کانادا (یک سیستم حقوقی دیگر).....	۱۰۲
آثار فرزندخواندگی ساده.....	۱۰۶
گفتار چهارم: شرایط فرزندخواندگی در کانادا (رویه قضایی فرزندخواندگی طبق قانون ۲۰۱۶ ایالت بریتیش کلمبیا).....	۱۰۶
بند اول شرایط فرزندخواندگی.....	۱۰۷
ثبت نام والدین.....	۱۰۹
باطل کردن اعلام پیشنهاد فرزندخواندگی.....	۱۰۹
بند دوم: شرایط فرزند پذیر.....	۱۱۰
شرایط پذیرش اشخاص فرزندپذیر.....	۱۱۰
ثبت نام والدین.....	۱۱۰
گواهی استقرار کودک.....	۱۱۱
رضایت ها.....	۱۱۱
فرم رضایت برای فرزندخواندگی.....	۱۱۳
باطل کردن رضایت.....	۱۱۳
بند سوم: تشریفات فرزندخواندگی.....	۱۱۴

گواهی درخواست.....	۱۱۴
مدارک مورد نیاز.....	۱۱۵
گزارش پس از استقرار.....	۱۱۵
گزارشات با حکم دادگاه.....	۱۱۶
اثر حکم فرزندخواندگی.....	۱۱۸
اثر بر روی تماس و یا حکم توافق برای دسترس.....	۱۱۹
فرزندخواندگی بزرگسالان.....	۱۲۰
وظایف ثبت دادگاه.....	۱۲۰
گفتار پنجم: آثار مالی فرزندخواندگی در حقوق کانادا.....	۱۲۱
انتقال مراقبت و حضانت به یک مدیر و یا یک نهاد فرزندخواندگی.....	۱۲۱
اگر متصدی یا یک مؤسسه ی فرزندخواندگی سرپرست شود.....	۱۲۱
قیمومیت مشترک در فرزندخواندگی مستقیم.....	۱۲۲
فصل چهارم: چهارم: نتایج و پیشنهادها.....	۱۲۳
نتیجه گیری.....	۱۲۴
پیشنهادات.....	۱۲۷
منابع:.....	۱۲۸

فصل اول: کلیات تحقیق

مقدمه

خانواده مأمّن و مأوایی برای رشد، بالندگی و شکوفایی شخص است. در حقیقت می‌توان گفت خانواده محل شکل‌گیری عواطف، احساسات، ارزش‌ها، توانمندی‌ها و مهارت‌های مختلف فردی، اجتماعی و اخلاقی است. اما کودکانی وجود دارند که به دلیل شرایط نامساعد خانوادگی، از داشتن شرایط و مزایای ذکر شده بی‌بهره‌اند و بنابراین باید به دنبال راهی برای کمک به این کودکان بود. یکی از نهادهایی که می‌تواند تا حد زیادی این نقصان را برطرف کند نهاد فرزندخواندگی است.

فرزند خواندگی را در مفهوم آن می‌توان ابزاری برای جبران کردن نقصان و خلاء سایر نهادها و ساختارهای اجتماعی تعبیر نمود.

این یک واقعیت انکارناپذیر است که در گذشته مقوله فرزندخواندگی مستقیماً مطلوب و مورد توجه نبوده بلکه حربه‌ای ساخته و پرداخته جامعه بوده که رسالت آن جامه عمل پوشاندن به خواست و میل افرادی است که برای فراموشی ناکامی‌های عالم واقعیت به عالم مجاز پناه برده بودند که وجود یک فرزند به طور غیر مستقیم تنها راه برآورده ساختن آن بود. پیشینه فرزندخواندگی نشان می‌دهد که این امر در حقیقت پسرخواندگی بوده و نه فرزندخواندگی. خانواده‌ها به منظور در اختیار داشتن نیروی کار بیشتر پسرانی بی‌سرپرست را به فرزندخواندگی می‌پذیرفتند و به این ترتیب شأن اجتماعی خود را نیز ارتقا می‌دادند.

خوشبختانه امروزه همچنین تفکری بر فرزندخواندگی مسلط نیست و در قوانین سعی شده است به حقوق کودک توجه بسیار شود تا بیش از هر چیز رفاه و آرامش کودک مدنظر باشد.

در ایران با توجه به این‌که قانون مطابق با فقه امامیه است احکام مربوط به فرزندخواندگی نیز مطابق با شرایطی که اسلام معین کرده، می‌باشد. از آنجایی‌که در قرآن در نظر گرفتن فرزندخوانده به عنوان

فرزند حقیقی منسوخ شده است در قانون ایران برای حمایت از این کودکان لفظ فرزندخوانده استفاده نشده و قانون از عناوینی چون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست به این مقوله پرداخته است. این قانون در سال ۱۳۵۳ به تصویب رسید که با توجه به گذشت زمانی طولانی و ناکارآمد بودن برخی موارد در سال ۱۳۹۲ اصلاح و مجدداً به تصویب رسید.

در حقوق کانادا نیز امروزه دو نوع فرزند خواندگی «ساده» و «کامل» مطرح است که هر کدام قوانین مربوط به خود را دارا هستند.

هدف از این پژوهش، بررسی تطبیقی قوانین مربوط به فرزندخواندگی در ایران و کانادا می باشد.

بیان مسأله

خانواده اولین آموزشگاه و پرورشگاه انسان است. به عبارتی دیگر، خانواده محل شکل گیری عواطف، احساسات، ارزش ها، توانمندی ها و مهارت های مختلف فردی و اجتماعی و اخلاقی است. به طور کلی کودکان در تعامل با اعضای خانواده (والدین، خواهر، برادر)، همسالان و بستگان، مهارت های اجتماعی را در فرآیندی آرام و تقریباً به صورت خود به خود فرا می گیرند. در خانواده خواهران و برادران اولین محیط تعاملی را تشکیل می دهند و به این ترتیب کودک می آموزد که چگونه با همسالان خود رفتار کند. در محیط خانواده رفتارهایی را از دیگر اعضای خانواده می آموزد و نوعی تعامل را در کوچکترین ارگان اجتماعی فرا می گیرد و در نهایت برای حضور در اجتماع آماده شوند.

یکی از مسائلی که همواره مورد بحث و چالش جدی قرار گرفته و صاحب نظران با نوشتن مقالات و برگزاری سمینارهای مختلف به واکاوی آن پرداخته تا نواقص و کاستی هایی که در این زمینه وجود دارد را تا حدودی کاهش دهند حقوق کودک است. کودکان به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری

نیاز به مراقبت‌های خاص دارند و زمانی برای جامعه فردی مفید خواهند بود که در خانواده‌ای سالم تربیت شده باشند.

کلیه جوامع به اشکال گوناگون از گذشته دور تا به امروز به نحوی در قوانین خود به مساله فرزندخواندگی اشاره کرده اند. به عقیده پژوهشگران فرزند خواندگی ریشه در نیاز نظامی و اقتصادی جامعه داشته و گاهی عوامل روحی و معنوی یا عاطفی موجب پیدایش آن شده است. در حال حاضر نیز این نهاد براساس نیازهای معنوی خانواده و کودک بی سرپرست استوار است.

نهاد فرزندخواندگی پیشینه‌ای دیرینه دارد و در هر سرزمین وابسته به نیاز افراد و جامعه تعاریف و قوانین مخصوص به خود را دارا بود. در شبه جزیره عربستان و در دورانی که اقوام و قبایل عرب در عصر جاهلیت به سر می بردند نیز فرزند خواندگی یا تبئی مرسوم بوده و فرزند خوانده را دعوی می‌نامیدند که جا دارد به تاریخچه آن اشاره گردد. در حقوق ایران این نهاد سابقه طولانی دارد و به دوران حکومت ساسانیان بازگشته و در قوانین اوستا بدان اشاره و زرتشتیان اعتبار فراوانی برای آن قائل بودند چرا که فرزند را پل ورود به بهشت می‌دانستند بنابراین آنان که برایشان فرزندی نبود از طریق پذیرش فرزند به این مهم دست می یافتند که این نهاد با نفوذ اسلام در ایران منسوخ گردید. به توجه به آموزه‌های دینی درخصوص توجه به یتیمان و کودکان بی‌سرپرست و نیز به علت فواید فردی و اجتماعی و نیاز مبرم جامعه به حمایت از اطفال بدون سرپرست نهادی با عنوان قانون حمایت از اطفال بدون سرپرست در سال ۱۳۵۳ احیاء گردید. مقررات قانون مذکور پس از پیروزی جمهوری اسلامی تا کنون توسط قوه مقننه نسخ نگردیده بلکه ایران با تصویب ماده واحده قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲/۱۲/۱ مجلس شورای اسلامی فرزندخواندگی را مورد قبول قرار داده و برای فرزندخوانده همان حقوق و مزایای فرزند طبیعی را مقرر داشته است، هرچند در فقه امامیه که حقوق ایران برگرفته از آن است حقوق فرزندخوانده با فرزند نسبی یکی نیست.

در حقوق کانادا امروزه دو نوع فرزند خواندگی «ساده» و «کامل» مطرح است که به بررسی و توضیح آنها خواهیم پرداخت.

از آن جایی که از نظر فقه امامیه، احکام و مسائل فقهی شامل نسب، ارث، وصیت، محرمیت و ... تنها در روابط فرزند نسبی با پدر و مادر واقعی برقرار است و در خصوص فرزندخوانده ابهامات فراوانی وجود دارد؛ در این تحقیق قصد داریم به بررسی این احکام و ارتباط فرزندخوانده با زن و مردی که او را به فرزند قبول می‌کنند، قوانین و مقررات حاکم بر فرزندخواندگی در حقوق ایران و کانادا و موارد اشتراک و تفاوت‌های دو سیستم و نظرات فقه امامیه در این زمینه بپردازیم. اینکه شرایط پذیرش فرزندخوانده در کانادا چه تفاوت‌هایی با سیستم ایران دارد و نظرات فقه امامیه تا چه اندازه مانع از پذیرش این نهاد در حقوق ایران گردیده است. معایب و محاسن فرزندخواندگی چیست و این نهاد تا چه اندازه پاسخگوی نیازهای جامعه، کودکان بی‌سرپرست و خانواده‌های بدون فرزند بوده است. در این تحقیق قصد داریم با نگاه تطبیقی به این سوالات و سؤالات فراوان دیگر پیرامون تأسیس فرزند خواندگی پاسخ دهیم.

اهداف تحقیق

هدف کلی:

۱- بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و کانادا.

اهداف جزئی:

۱- بررسی فرزندخواندگی در حقوق ایران.

۲- بررسی فرزندخواندگی در حقوق کانادا.

سوالات تحقیق

سؤال اصلی:

۱- حقوق فرزندخوانده در نظام حقوقی ایران و کانادا چگونه است؟

سوالات فرعی:

۱- جایگاه و حقوق فرزندخوانده در حقوق ایران که مبتنی بر فقه امامیه می باشد، چگونه است؟

۲- جایگاه حقوق فرزندخوانده در حقوق کانادا چگونه است؟

فرضیه های تحقیق

فرضیه اصلی:

۱- در ایران فرزندخوانده حکم فرزند واقعی را ندارد. در سیستم حقوقی کشور کانادا، دو نوع فرزندخواندگی کامل و ساده وجود دارد.

فرضیه های فرعی:

۱- حقوق ایران در باب فرزندخواندگی، متأثر از فقه امامیه است.

۲- در مورد تسهیل شرایط فرزند خواندگی، حقوق کانادا نسبت به ایران زمینه ی مساعدتری را فراهم نموده است.

پیشینه تحقیق

از نظر سابقه ی تحقیق در مورد موضوع فرزندخواندگی، باید گفت علی رغم عمر نزدیک به چهل ساله-ی این نهاد مهم حقوقی در ایران، و با وجود افزایش مشکلات نازایی ها در جامعه و عدم باروری زوج

ها و بالا رفتن تقاضای این زوج های فاقد فرزند مبنی بر پذیرش سرپرستی اطفال بدون سرپرست و به تبع آن مشکلات ناشی از فرزندخواندگی که در بزرگسالی با رشد کودک سر بر می آورد، تاکنون کمتر مشاهده شده است که رساله و پایان نامه های دانشگاهی در راستای مطالعه و بررسی این مسائل اجتماعی حرکت کرده و به آن پرداخته باشند. کارهای پژوهشی که در این مورد انجام پذیرفته عبارتند از:

۱- کتاب «فرزندخواندگی در اسلام» به قلم حسن عالمی طامه در سال ۱۳۹۱ و به همت انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر شده است.

۲- کتاب «وضع حقوقی فرزندخواندگی در ایران، فقه و حقوق تطبیقی» از اسدالله امامی که در سال ۱۳۹۰ و توسط انتشارات سمت منتشر شده است.

۳- پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی تطبیقی فرزند خواندگی در حقوق ایران و هند» در سال ۱۳۹۲، توسط فهیمه عباسی و به راهنمایی نادر مختاری افرکتی در دانشگاه سیستان و بلوچستان دفاع شده است.

۴- پایان نامه کارشناسی ارشد «بررسی فقهی و حقوقی فرزندخواندگی در حقوق ایران» در سال ۱۳۹۰، توسط فهیمه ملایی و به راهنمایی دکتر حسن مبینی در دانشگاه پیام نور مازندران نگاشته شد.

۵- پایان نامه کارشناسی ارشد «احکام و آثار فرزندخواندگی در فقه، حقوق ایران و انگلیس» در سال ۱۳۹۳، توسط لیلا همانلو و به راهنمایی مسعود البرزی ورکی، در دانشگاه قزوین دفاع شده است.

اهمیت و ضرورت تحقیق

با توجه به افزایش روزافزون تعداد کودکان بی سرپرست و بد سرپرست در کشور، ضرورت توسعه نهاد فرزندخواندگی احساس می شود. فرزندخوانده، موجب گرمی بخشیدن به زندگی زوجین فاقد فرزند می شود و تجربه نشان داده که کودک در محیط خانواده بهتر رشد و تعالی می یابد و فرزندان که در محیط خالی از عشق و دلبستگی خانوادگی تربیت شدند در معرض بحرانهای عاطفی و روحی بسیاری قرار خواهند گرفت. انتخاب این موضوع، در ابتدا خلأ پژوهشی درباره مسائل فرزندخواندگی و حقوق آن است. در این راستا مسائل و سؤالات بسیاری از ابتدا پیدایش فرزندخوانده از پذیرش و شیوه آن، ماهیت و حکم آن حدود دیات از حیاتش و ممانش مطرح است. چه از لحاظ فقهی چه از لحاظ قانونی و چه مسائلی که به گونه ای با این مسأله ارتباط دارد و چه کسانی که با این مسأله مواجه هستند. لذا این مسأله مهم جهان امروز که بیش از ۱۰-۱۵ درصد زوج های جهان ناباروری دارند^۱ و نیازمند پژوهش و نوشتاری است که بیانگر دیدگاه نظام حقوقی ایران و حقوق کانادا درباره فرزندخواندگی می باشد.

جنبه جدید بودن و نوآوری تحقیق

۱- تحلیل و بررسی جایگاه عقد فرزندخواندگی و عقد سرپرستی در حقوق ایران که مبتنی بر فقه امامیه می باشد و حقوق کانادا.

۲- بررسی حقوق فرزند خوانده در قوانین ایران و کانادا.

۳- بررسی حقوق فرزندپذیران در قوانین ایران و کانادا.

نقدها

^۱ - گزارش سالانه سازمان بهداشت جهانی، منتشر شده در پایگاه اطلاع رسانی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، مؤرخ ۱۳۹۰/۱۰/۲۵.

روش انجام تحقیق

امروزه فواید مطالعات تطبیقی، بر هیچ پژوهشگری پوشیده نیست. آگاهی یافتن از آنچه در جهان پیرامون می‌گذرد، ضروری است. بدین ترتیب باید تمام دستاوردهای بشری و کتاب و مقاله و رساله‌های که در ارتباط با موضوع تطبیقی نوشته شده است، را خواند و از آرا و اندیشه آنان باخبر شد. با مطالعات تطبیقی و شیوه‌ای کاملاً علمی به بررسی قوانین موضوعه و دیدگاه‌های حقوق ایران و کشورها و آرا و افکار آنان پرداخت. از آنجاکه بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و کانادا در کتب حقوقی به طور گسترده بیان نشده و کم سابقه است، منطق تحقیق ایجاب می‌کند که پیش از همه به تبیین مفاهیم مسأله -روش توصیفی- و سپس به اثبات یا نفی آن پرداخته شود. روش انجام پژوهش، روش تحلیلی با مطالعه و استفاده از منابع کتابخانه‌ای مقالات موجود و فرضیات گوناگون می‌باشد. از آنجاکه قوانین ایران مبتنی بر فقه امامیه است، از این رو بررسی فقهی موضوع قبل از مباحث حقوقی آن صورت گرفت و بعد دست به تطبیق با نظام حقوقی کانادا شده است.

تعاریف و مفاهیم تحقیق

مفهوم فرزندخواندگی

فرزندخواندگی یا «تبنی» عملی است حقوقی که نتیجه آن حصول رابطه فرزندى صوری بین دو کس است^۱. به عبارت دیگر فرزندخواندگی از یک رابطه‌ی حقوقی که بر اثر پذیرفته شدن طفلی به عنوان فرزند، از جانب زن و مردی به وجود می‌آید بدون آنکه پذیرندگان طفل، پدر و مادر واقعی آن طفل

۱- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۸۱)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، چلپ دوم، تهران، چاپ احمدی، جلد ۵، ص ۱۰۶۱.

باشند. ممکن است زن و شوهری فرزند دیگری را به فرزندى بپذیرند که در این صورت قانونگذار چنین کودکی را در حکم فرزند این خانواده به شمار می‌آورد و آثاری برای این رابطه حقوقی مجازى می‌شناسد. تفاوت فرزند نسبی و فرزند حکمی «ظاهری» در این است که پیوند بین فرزند حقیقی و پدر و مادر وی پیوندی طبیعی و ناگسستنی است و رابطه حقوقی بین آنها هرگز از بین نخواهد رفت. ولی پیوند بین فرزند و پدر و مادر خوانده به آن محکمی نیست و عواملی نظیر انحلال خانواده، سته به سیاست قانونگذار، ممکن است رابطه حقوقی موجود را زایل کند^۱. با توجه به آثار حقوقی و فقهی که بر نهاد فرزندخواندگی مترتب می‌باشد، شناخت لغوی و اصطلاحی فرزندخواندگی و دقت در این مطلب از اهمیت بسیاری برخوردار است.

فرزندخواندگی در لغت

فرزند

فرزند [فَرّ] ولد، نسل پسر و دختر هر دو را گویند (آندراج). نسل (ازمنتهی الارب). در پارسی باستان «فرزئینتی» غالباً به پسر و گاه به دختر اطلاق شده است و معنای لغوی ولد در زبان عربی اینگونه است که به هر حیوانی که بر اثر وضع حمل پدید آمده باشد؛ خواه اناث باشد، خواه ذکور باشد می‌گویند و به تشبیه و جمع هم صدق می‌کند؛ نوه و نبیره هم در لغت، ولد (اولاد) او محسوب می‌گردد. فرزندخواندگی از حیث لغوی از «فرزند خواندن» گرفته شده و به این معنی است که شخصی، بیگانه‌ای را که با او نسبت فرزندى ندارد، فرزند خود بخواند^۲. در فرهنگ عربی، «دعی» معادل فرزندخواندگی است همچنین واژه «دعی» از «دعو، دعا» آمده است که به معنای صدا زدن، خواندن، دعوت کردن، نامیدن و... است^۳. «ادعیاء» جمع مکسر «دعی» است که در قرآن به معنای

۱- امامی، اسدالله، (۱۳۸۷)، وضع حقوق فرزندخواندگی در ایران، فقه و حقوق تطبیقی، چاپ اول، تهران، سمت، ص ۴۴.

۲- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه، چاپ دوم، تهران، دانشگاه تهران، جلد هفتم، ص ۱۰۴۲.

۳- آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۶)، فرهنگ معاصر عربی-فارسی، چاپ هشتم، تهران، نشرنی، ص ۲۴.